

فیلمنامه‌های نعمت‌الله فارغ از ظاهر و گویش‌شان از یک خاستگاه هستند و یک‌جور صحبت و یک‌جور فکر می‌کنند. درست است که خودمان بارها در همین روزنامه کارگردانان را توصیه به خارج شدن از تهران کردیم، اما اگر قرار است مزرعه و روستا صرفاً یک لوکیشن باشد و نه بیشتر، همان آیاتمان‌ها که بهتر است. روستا و شهرهای دیگر قرار است یک معرفی از آن منطقه و آدم‌ها و ویژگی‌های آنجا باشد نه صرفاً محلی برای فیلمبرداری در اطراف تهران.

انصافاً برای نماها و کادربندی تلاش‌های زیادی صورت گرفته و سعی شده تصاویر تکراری چشم بیننده را آزار ندهد، اما استفاده مکرر از قرینه و بازتاب در قاب‌هایی که می‌بینیم، چه توجیهی دارد به‌جز تأثیرپذیری شدید از نحوه کارگردانی سبروس مقدم؟ شاید نعمت‌الله بگوید این سبک من هم هست و به آن علاقه‌مندم. ظاهراً جواب قانع‌کننده‌ای است، اما نه برای کسی که دوست دارد در کارگردانی هم مانند نویسنده‌گی، امضای خودش را داشته باشد.

سوال دیگری که از نعمت‌الله داریم، درباره بازی بازیگران زمین گرم است. آیا بهتر نبود برای اولین تجربه کارگردانی‌اش از یک بازیگردان استفاده می‌کرد. به‌جز مرجان شیرمحمدی و تاحدودی اصغر همت و نادر فلاح که با همین گرم و نقش در چند کار دیگر مانند «عقیق» و «درخونگاه» هم او را دیده‌ایم، شاهد بازی‌های متوسط و حتی ضعیف از سوی بازیگران این سریال هستیم. حتی برخی بازیگران در ادای دیالوگ‌ها هم صحیح عمل نمی‌کنند و اصطلاحاً این دیالوگ‌ها در دهان‌شان نمی‌چرخد. استفاده از یک بازیگر ناشناخته برای حضور در نقش اصلی این سریال جسارت می‌خواهد، اما در نهایت باید دید خروجی این جسارت چه خواهد شد؟

کینه، نماز و علیار

آدم‌های زمین گرم را می‌توان روی تخته‌سیاه هم تقسیم‌بندی کرد؛ خوب‌ها و بد‌ها. علیار، معصومه و پدر معصومه و تاحدودی یارعلی از خوب‌ها هستند و مابقی بد‌ها. خوب‌ها نماز می‌خوانند و گذشت دارند و فداکاری می‌کنند و غرور دارند و بد‌ها نه نماز بلندند و نه بخشیدن را. این دو قطبی‌سازی در سریال زمین گرم شاید ریشه در خیر و شر تاریخی داستان‌ها داشته باشد، اما واقعیت اینجاست که دوران سیاه و سفید بودن آدم‌ها گذشته است. آدم‌ها اشتباه می‌کنند و آدم‌های خوب هم می‌توانند اشتباهات بزرگی بکنند. اینکه فروغ به‌خاطر علیار نماز می‌خواند و روزه قضا می‌گیرد و در پلیس ۱۰۴ استخدام می‌شود و سر به‌راه می‌شود، در سریال جامی نمی‌افتد. شخصیت‌ها بیشتر تپ‌هایی هستند که ما پیش از این آنها را در سریال‌های دیگر هم دیده‌ایم. داستان‌ها بیشتر به جزایر کوچک و پرتی می‌مانند که در نهایت حتی یک شهر را هم نمی‌سازند چه برسد به یک کشور.

بدون تعارف نعمت‌الله نیاز به نوآوری و خلاقیت دارد. تکرار مدل‌ها و راه‌های موفق پس از مدتی هم خالق اثر و هم مخاطب را به یک سکون و رخوت می‌رسانند. به‌عنوان مثال به بازی‌های کامران تفتی در آثاری که توسط نعمت‌الله نوشته شده دقت کنید، کمترین خلاقیت و تنوع در آنها دیده می‌شود و انگار تفتی فقط لباس‌هایش را در سریال‌های مختلف تغییر می‌دهد و حتی در برخی سریال‌ها لباس‌های سیاه‌ش هم تغییر نمی‌کند. در اینکه نعمت‌الله آدم‌های جنوب شهر و متوسط را به خوبی می‌شناسد و تاحدودی با مشکلات آنها هم آشناست را کسی شک ندارد، اما قضا به‌محیط‌های تازه و آدم‌های جدید نیاز دارند. شبکه‌آی فیلم این روزها سریال «زیر هشت» به کارگردانی سبروس مقدم و نویسندگی نعمت‌الله را پخش می‌کند. برای اثبات یاد حرف‌های ما شاید بد نباشد که زیر هشت و زمین گرم را با هم مقایسه‌ای کنیم. به نعمت‌الله هم توصیه می‌کنیم همه این ۱۰-۱۲ سریال خوبی را که نوشته، مجدد تماشا کند تا ببیند منظورها از تکرار و وجوه اشتراکی متعدد چیست.

نعمت‌الله نویسنده خوب و دیالوگ‌نویس کم‌نظیری است، اما او هم مثل هر هنرمند دیگری نیاز به بازسازی دارد، مخصوصاً که حالا کارگردانی هم می‌کند و وقت بیشتری را باید صرف پروژه‌ها کند. نگاهی به آثار نعمت‌الله نشان می‌دهد هر وقت آدم‌های داستان او ملموس و واقعی بودند و حرف‌هایشان گنده‌تر از دهان‌شان نبود، توانسته‌اند با مردم ارتباط برقرار کنند و هر وقت اینطور نبوده، مردم با آنها غریبی کرده و به ذهن و روح‌شان راه‌شان نداده‌اند. منظر دوسوم دیگر زمین گرم هستیم و احتمالاً اثر بعدی نعمت‌الله در مقام کارگردان. بعید است زمین گرم بتواند از این فضای ۱۰ قسمت خود خارج شود و بازی‌های درخشانی ببینیم، اما امیدواریم یک نعمت‌الله دیگر به جمع کارگردانان خوب سینمای ایران اضافه شود.



درباره سریال «زمین گرم» اولین ساخته سعید نعمت‌الله

کارگردانی متوسط

کاراکترهای غریبه

سیمای پخش شده است. یک‌سوم از یک سریال تلویزیونی ۳۰ قسمتی، مجال مناسبی به بینندگان و منتقدان می‌دهد تا بتوانند آن را در یک فضا و شرایط منصفانه بررسی و نقد کنند.

نویسنده‌هایی که پشت دوربین می‌روند

سعید نعمت‌الله اولین نویسنده‌ای نیست که پشت دوربین رفته و فیلم ساخته و قطعاً آخرین آنها نیز نخواهد بود. هنوز زمان زیادی از پخش سریال «سریاز» ساخته هادی مقدم‌دوست نگذشته است و عید همین سال ۹۹ بود که رضا مقصدی در اولین تجربه کارگردانی سریال‌ش، «دوبینگ» را ساخت. جالب اینجاست که هر سه اثر از شبکه سوم سیمای پخش شده و انگار قرار است این شبکه کار حمایت از نویسندگان کارگردان را برعهده بگیرد که بالذات اتفاق خوبی است. تربیت و پرورش کارگردان‌های جوان حتماً نیاز امروز تلویزیون و سینماست، اما باید دید اساساً تلویزیون ما چنین ظرفیتی را برای آزمون و خطای نیروهایش دارد یا نه؟ تا به حذف و سوختن این استعدادها خواهند رسید. اینکه نویسنده و کارگردان یک نفر باشد، قدمتی چندین‌ساله در سینما و تلویزیون دارد. سال‌هاست که برخی نویسندگان از «درنیامدن» فیلمنامه‌هایشان گله می‌کنند و حتی بر زبان می‌آورند که اگر خودشان می‌ساختند، بهتر می‌شد. نویسنده‌هایی که سراغ فیلم ساختن می‌روند، شبیه آهنگسازان و ترانه‌سرایانی هستند که بعد از مدتی خودشان خواننده می‌شوند و البته اغلب هم چندان موفق نیستند. دیده نشدن، عدم تحقق فضا و دیالوگ‌های نوشته‌هایشان و امتحان کردن حوزه‌های دیگر و شاید مسائل مالی از جمله دلایلی است که پای نویسندگان را به پشت دوربین می‌کشاند.

ترکیبی از کدام کارگردان‌ها؟

سبروس مقدم پنج‌بار، بهرنگ توفیقی سه‌بار، محمد مهدی عسگرپور دوبار و جواد افشار و محمدرضا آنتخ هر کدام یک‌بار، کارگردانانی بودند که از روی فیلمنامه‌های نعمت‌الله سریال‌هایشان را ساختند و حالا زمین گرمی جهت‌نیست که قاب‌هایش شبیه به قاب‌های مقدم شده و دکوپاژهایش رنگ‌بویی دکوپاژهای بهرنگ توفیقی را می‌دهد. اینکه سعید نعمت‌الله از اولین سریال‌ش، رستگاران در سال ۸۸ و به کارگردانی سبروس مقدم، از هریک از کارگردان‌ها چیزی یاد گرفته و به داشته‌هایش اضافه کرده چیز بدی نیست و باتوجه به هوش بالای او

سریال‌های مجرمی تلویزیون با

تاخیر رسیدند و قطعاً هم مدیران تلویزیون دلیل این تاخیر را ورود و حضور ویروس کرونا اعلام می‌کنند. شبکه یک، دو و سه با

سریال‌های تازه‌شان رخت‌نوبر تن کردند و مخاطبان تلویزیون را از دست دیدن تکراری سریال‌های قدیمی نجات دادند. شبکه یک با سریال استانی «سزده»، شبکه دو با سریال «بوم و بانو» و شبکه سه با مجموعه «زمین گرم» روی آنتن آمده‌اند و هر کدام در این مدت بازخوردهایی هم داشته‌اند. از مدت‌ها قبل که خبر ساخته شدن سریال زمین گرم به نویسندگی و کارگردانی سعید نعمت‌الله منتشر شد، علاقه‌مندان به سریال و نوشته‌های نعمت‌الله منتظر بودند تا ببینند نخستین دست‌پخت او به‌عنوان کارگردان چه خواهد شد. تصویربرداری زمین گرم که سال گذشته آغاز شده بود، چندماه به‌دلیل شیوع کرونا متوقف شد و از دی‌پهشت‌ماه سال جاری مجدداً زسز گرفته شد. این سریال که محمدرضا شفیعی تهیه‌کنندگی آن را به عهده دارد، گفته می‌شود کامل‌کننده سه‌گانه «جراحت» و «برادر جان» است و مضمونی خانوادگی-اجتماعی دارد.

نعمت‌الله جزء نویسندگانی است که در پشت صحنه حضور فعالی دارد و حتی به بازیگران در ایفای نقش و ادای دیالوگ‌هایشان کمک هم می‌کند. آنهایی که نوشته‌های نعمت‌الله را دنبال می‌کنند، با حال‌وهوای آثار او آشنا هستند و اینجا هم منتظر بودند تا روابط اجتماعی و برادرانه معیوب ببینند و دیالوگ‌های خاص و نزدیک به نثر مسعود کیمیایی را بشنوند. ترکیب بازیگران هم به‌جز مرجان شیرمحمدی که حضورش در تلویزیون عجیب بود و البته پس از چندسال دوری، بازیگری می‌کرد، پیش از این با نعمت‌الله کار کرده بودند. «دو برادر بعد از سال‌ها بی‌خبری ازهم، یکدیگر را می‌بینند و برادر بزرگ‌تر که آخرین ساعات زندگی‌اش را پشت‌سر می‌گذارد، به‌سراغ برادر کوچک‌تر می‌رود تا وصیت کند» وضعیتی که زندگی برادر کوچک را دستخوش چالشی بزرگ می‌کند... شاید بتوان این خلاصه سه‌خطی را که توسط عوامل این سریال منتشر شده، به‌عنوان خلاصه قصه زمین گرم معرفی کرد، اما در این یک‌سومی که از سریال گذشته است، با خرده‌روایت‌ها و شخصیت‌های فرعی دیگری نیز آشنا شدیم و داستان آنها را هم شاهدیم. اگر آن‌طور که رسانه‌ها منتشر کرده‌اند، این سریال ۳۰ قسمتی باشد، تا زمان نوشتن این گزارش بیش از یک‌سوم این مجموعه تلویزیونی از شبکه سوم

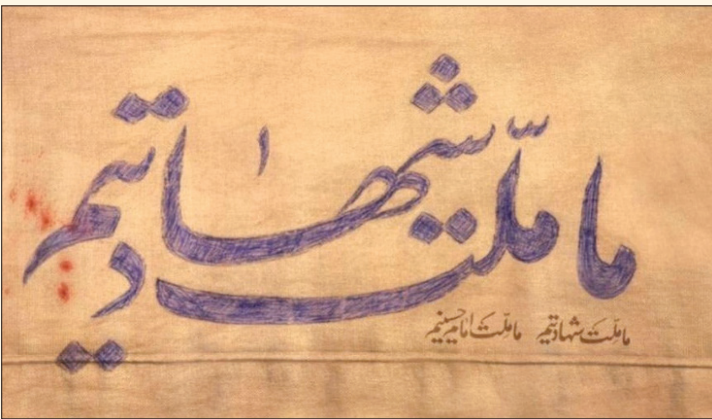


سعید مهدی موسوی تبار

روزنامه‌نگار

چارسو

ما ملت شهداتیم، دیوارنگاره جدید میدان ولیعصر (عج)



دیوارنگاره میدان ولیعصر یکی از مهم‌ترین دیوارنگاره‌های سطح کشور است. طرح جدید دیوارنگاره میدان ولی عصر (عج) به مناسبت هفته دفاع مقدس و نزدیک شدن ایام اربعین حسینی، سحرگاه امروز به‌همت طراحان انقلاب اسلامی رونمایی شد. این طرح که به‌طور هم‌زمان به عطر دفاع مقدس و یاد شهید شهید حاج قاسم سلیمانی مزین است، «ما ملت شهداتیم» نام دارد. عوامل اجرایی دیوارنگاره «ما ملت شهداتیم» عبارتند از: نوشتار: علی اکبر آسمانی، اجرای خوشنویسی: مجتبی حسن زاده، عکاسی و گرافیک: محمدتقی پور.

جراحی گفتن از تحریم‌ها در ونیز



احمد بهرامی، کارگردان فیلم سینمایی «دشت خاموش» که جایزه بهترین فیلم بخش افق‌ها را در هفتادوهمین جشنواره فیلم ونیز دریافت کرده است در گفت‌وگویی که با مهر داشت در مورد صحبت از تحریم‌ها در این جشنواره گفت: «ما همه در یک خانواده زندگی می‌کنیم و خانواده بزرگی به‌نام ایران را تشکیل داده‌ایم، اگر مشکلی هم وجود دارد من فیلمساز، شمای خرننگار، آهنگر، نجار، همه و همه باید دست‌به‌دست هم بدهیم و مشکلاتمان را حل کنیم. متأسفانه برخی از دوستان بعد از ویدئوی من در جشنواره فیلم ونیز، کامنت‌های بدی برای من نوشتند که چرا درباره تحریم‌ها صحبت کردی؟ مگر در کشور خودمان مشکل نداریم؟ واقعیت این است که من هم این موضوعات را می‌فهمم، من هم درک می‌کنم، من هم مشکل دارم، من هم با این گرانی‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنم، اما نکته بزرگ‌تر این است که در این مملکت خودمان باید به داد خودمان برسیم. من هم به رفتار خیلی از مدیران و مسئولانی که کار می‌کنند، نقد زیادی دارم چرا که با رفتارهایشان ما را گرفتار کرده‌اند، ولی جای گفتن این حرف‌ها در میان خودمان و در رسانه‌های خودمان است. این تحریم‌ها علیه ایران واقعاً ناعادلانه است و فقط فشار مضاعف روی مردم می‌آورد و هیچ سودی برای کشورها و مردمان دیگر ندارد به‌جز ترامپ که از این تحریم‌ها استفاده می‌کند. تحریم یک مساله سیاسی است و به مردم و بیماران کشور ما ربطی ندارد، اما مردم ما از تحریم و نبود دارو‌ها رنج می‌برند. بنابراین من ترجیح دادم درباره این مساله صحبت کنم تا بدانند که ملت ایران از تحریم در مشقت‌اند.»

روایت مصطفی مستور از کتاب صوتی «بهترین شکل ممکن»

مصطفی مستور در پی انتشار کتاب صوتی «بهترین شکل ممکن» (نوشته مستور و با خوانش صحت) در گفت‌وگویی از این همکاری گفته‌است. مصطفی مستور در مورد این مساله می‌گوید: «من هیچ‌وقت داستان‌هایم را نمی‌خوانم. یعنی وقتی کتابی منتشر می‌کنم دیگر سراغ آن نمی‌روم مگر اینکه برای تجدید چاپ به ویرایش دوباره نیاز باشد و من مجبور شوم آن را بخوانم یا موقعیتی مثل ضبط صوتی آنها پیش بیاید که وادار شوم آنها را گوش بدهم. یکی از دلایلی این است که به شکل بدی احساساتی هستم و خواندن و شنیدن داستان‌هایم برایم آزاردهنده است. آقای صحت قبلاً تجربه خواندن کتاب صوتی را نداشته اما از نتیجه کار بی‌نهایت راضی‌ام. صدای صحت فضای غمگین و نوستالوژیک داستان‌ها را خیلی خوب بازتاب می‌دهد. از او خواهش کردم که مجموعه داستان «بهترین شکل ممکن» را بخوانند و با اینکه می‌دانستم خیلی گرفتار است و کارهای مهم‌تر از خواندن کتاب من را دارد، خوشبختانه قبول کرد. سروش صحت با ادبیات جهان و ایران خیلی خوب آشناست و همین پرسوه خوانش داستان‌ها را خیلی راحت می‌کرد. علاوه بر اینها، صحت کلاذمی دوست‌داشتنی است و خواندن کتاب بهانه خوبی بود برای آشنایی بیشتر ما با هم. به‌نظرم این کار شبیه ساخت فیلم است. فیلمی که اقتباسی است و براساس یک داستان جلوی دوربین می‌رود، هم باید به اثر وفادار باشد و هم باید هویت مستقل خودش را داشته باشد. در تولید کتاب صوتی هم باید مراقب باشیم که صدای گوینده مانع شنیدن داستان نشود. در خوانش کتاب گویی باید یک اثر غیرفیزیکی و ذهنی را به یک پدیده صوتی/فیزیکی تبدیل می‌کنیم.»

خشم استودیوها از فروش «تنت»

افراد که ارقام درآمد‌های باکس آفیس را تحلیل می‌کنند متوجه شده‌اند که به‌طور تعجب‌آوری هیچ شفافیتی در ارتباط با ارقام فروش فیلم علمی تخیلی ۲۰۰ میلیون دلاری کریستوفر نولان یعنی «تنت» که آخر هفته قبلی در سینماهای آمریکا روی پرده رفت، وجود ندارد. از وقتی تنت نمایش داده شده، استودیوی سازنده آن یعنی برادران وارنر با دقت مقدار کمی از داده‌های باکس آفیس فیلم را به خبرنگاران و استودیوهای رقیب داده است. این درحالی است که استودیوها همیشه اطلاعات باکس آفیس را به‌صورت روزانه و کامل منتشر می‌کنند. با وجود اینکه نمایش تنت از سوم سپتامبر آغاز شد، برادران وارنر تا ششم سپتامبر سعی کرد تا رسماً اعلام کند که این فیلم در آخر هفته اول اکران خود ۲۰۰ میلیون دلار فروخته که نتیجه‌ای متوسط برای فیلمی با این اندازه است. ناظران صنعت فکر می‌کنند استودیو منتظر است تا ارقامی بزرگ را برای کل آخر هفته منتشر کند و بعد از آن شروع به انتشار روزانه ارقام کند. اما استودیو نگران است که خبرنگاران و رقبا نتایج را ناعادلانه تحلیل کنند و بگویند تنت شکست خورده است. برادران وارنر از خبرنگاران خواسته پس‌زمینه ماجرا را هم توصیف کنند و بگویند به‌خاطر بسته بودن بازارهای بزرگ از جمله نیویورک و لس‌آنجلس و به‌خاطر فعالیت بقیه سینماها با ظرفیت محدود، از ابتدا انتظار می‌رفت اکران تنت، ضعیف‌تر از حالت معمول باشد. از طرف دیگر، با وجود اینکه عجیب است که استودیویی مانند برادران وارنر داده‌های فروش فیلم خود را به‌درستی برای پروژه‌ای که شاید عظیم‌ترین فیلم سال باشد اعلام نکند، بسیاری از بازیگران هالیوودی خواستار موفقیت تنت هستند.



سروش صحت با ادبیات جهان و ایران خیلی خوب آشناست و همین پرسوه خوانش داستان‌ها را خیلی راحت می‌کرد. علاوه بر اینها، صحت کلاذمی دوست‌داشتنی است و خواندن کتاب بهانه خوبی بود برای آشنایی بیشتر ما با هم. به‌نظرم این کار شبیه ساخت فیلم است. فیلمی که اقتباسی است و براساس یک داستان جلوی دوربین می‌رود، هم باید به اثر وفادار باشد و هم باید هویت مستقل خودش را داشته باشد. در خوانش کتاب گویی باید یک اثر غیرفیزیکی و ذهنی را به یک پدیده صوتی/فیزیکی تبدیل می‌کنیم.»



سروش صحت با ادبیات جهان و ایران خیلی خوب آشناست و همین پرسوه خوانش داستان‌ها را خیلی راحت می‌کرد. علاوه بر اینها، صحت کلاذمی دوست‌داشتنی است و خواندن کتاب بهانه خوبی بود برای آشنایی بیشتر ما با هم. به‌نظرم این کار شبیه ساخت فیلم است. فیلمی که اقتباسی است و براساس یک داستان جلوی دوربین می‌رود، هم باید به اثر وفادار باشد و هم باید هویت مستقل خودش را داشته باشد. در خوانش کتاب گویی باید یک اثر غیرفیزیکی و ذهنی را به یک پدیده صوتی/فیزیکی تبدیل می‌کنیم.»

سروش صحت با ادبیات جهان و ایران خیلی خوب آشناست و همین پرسوه خوانش داستان‌ها را خیلی راحت می‌کرد. علاوه بر اینها، صحت کلاذمی دوست‌داشتنی است و خواندن کتاب بهانه خوبی بود برای آشنایی بیشتر ما با هم. به‌نظرم این کار شبیه ساخت فیلم است. فیلمی که اقتباسی است و براساس یک داستان جلوی دوربین می‌رود، هم باید به اثر وفادار باشد و هم باید هویت مستقل خودش را داشته باشد. در خوانش کتاب گویی باید یک اثر غیرفیزیکی و ذهنی را به یک پدیده صوتی/فیزیکی تبدیل می‌کنیم.»